



اگر بخواهیم آرای گوناگون را در این باره گرد آوریم؛ به چهار نمونه مشخص برمی خوریم:

۱- عنوانی که در ظاهر هیچ ارتباطی با داستان ندارد، اما پس از خوانده شدن، مخاطب ارتباط آن را کشف خواهد کرد و برداشتی به فراخور از آن می‌کند.

۲- عنوانی متضاد با موضوع. که بیشتر در داستان‌های با مضمون طنز استفاده می‌شود. گرچه مواردی نیز نویسنده به دلایل دیگر این کار را انجام می‌دهد، مانند این که بخواهد خواننده را شگفت زده کند.

۳- عنوانی سراسر و به عبارتی اشاره‌ای مستقیم به موضوع و مضمون داستان.

۴- عنوانی با دو یا چند معنای گوناگون. یک معنای نزدیک؛ که خواننده در وهله نخست به ذهنش متبادر شود و یک معنای باطنی و دور.

از ویژگی‌های داستان امروزی این است که، ارجاع در داستان از طریق نام و عنوان، رابطه تشبیهی و گاه نمادین پیدا کرده است.

اینجا لازم است یادآوری شود، هر تشبیهی نماد نیست، بلکه آن عنصری که سعی کند با تشبیه موضوعی، به امر فراتری اشاره کند، نماد نامیده می‌شود.

از ویژگی‌های داستان امروزی این است که ارجاع در داستان از طریق نام و عنوان، رابطه تشبیهی و گاه نمادین پیدا کرده.

از نمونه‌های درخشان چنین عنوانی، «بوف کور» هدایت است. بوف پرنده‌ای است شب زنده‌دار که تاب

در پیچ و خم یک نام



نام‌شناسی از بخش‌های مهم شکل شناسی داستان است. این موضوع که هر اسمی تا چه حد دلالت به متن دارد یا به آن ارجاع داده می‌شود، برای منتقدان هنگام بررسی داستان؛ از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از مشکلاتی که همیشه منتقدان با آن روبرو هستند، ساز و کار رابطه نام داستان با متن است. به عبارتی؛ آیا عنوان داستان رابطه مستقیمی با متن دارد و مانند برجسی بر آن چسبانده می‌شود، تا خواننده دریابد متن را در چه راستایی بخواند. یا این که نویسنده می‌تواند اسمی برای داستان خود انتخاب کند که رابطه مستقیمی با متن نداشته یا حتا بی ربط باشد و باز آیا می‌تواند نامی متضاد با مضمون داستان برای خود برگزیند، یا اصلاً به چنین تمایزی قائل نباشد.



در سراسر داستان سایه انداخته است. اما نام «بوف کور» معنای باطنی دیگری دارد که به امر فراتری اشاره می‌کند. کور در فرهنگ ایرانی به معنای نابینایی است که ظاهر فریبنده این جهان را نمی‌بیند، اما بینای جهان دیگر است. به عبارتی دنیای پنهانی و درون را می‌بیند. (به همین دلیل کوران را بینادل می‌گویند.)

با این توضیح مختصر، شاید بتوان گفت «بوف کور» شخصیتی است که، نابینا است و قادر به دیدن ظاهر زیننده‌ی و فریبنده این دنیا نیست، - و بعضاً آنها را نیز را انکار می‌کند. - اما این توانایی را دارد که با پس زدن این ظاهر فریبنده، جهان دیگر را ببیند، جهانی که حقیقی و واقعی است.

تحمل نور خورشید را ندارد. و در بیشتر فرهنگ‌ها معنای مشخصی - شومی و تاریکی و سیاهی - دارد. چنانکه در مصر باستان، نماد مرگ و تاریکی و شب است، در چین نماد موجود شومی است که خوی درندگی دارد و در فرهنگ ایرانی نماد مرگ و نحسی است. به طوری که هر گاه بوف بر بام خانه یا روی دیواری بنشیند، نحسی سراغ ساکنان آن خانه خواهد آمد. برای همین داستان از روز سیزدهم فروردین - روزی که به باور ایرانیان نحس و شوم است - آغاز می‌شود.

کور در فرهنگ ایرانی به معنای نابینایی است که ظاهر فریبنده این جهان را نمی‌بیند، اما بینای جهان دیگر است.

اگر نام داستان، «بوف» بود، تشبیه به همین معنای رایج - نماد نحسی و تاریکی و سیاهی و مرگ؛ - خلاصه می‌شد. با توجه به این که چنین تشبیهی،